



14/03/2016

نصیبہ اکرم حیدری

آخرین بیانیہ صوتی شهید محمد داود خان

هموطنان و خوانندگان گرانقدر پورتال افغان جرمن آنلاين!

اینک آخرین بیانیہ صوتی شهید محمد داود خان را در قید قلم آورده و بدسترس شما و تاریخ میگذارم. من در طی یکسال گذشته با شنیدن پیهم بیانیہ های این بزرگ مرد تاریخ افغانستان به این باورم که خدمات و جانبازی های صادقانه این رهبر برای قطعہ خاکی که وی وطن مینامیدش در تاریخ افغانستان و جهان کمتر نظیرش را میتوان یافت. حق است اگر بگویم که در راه آرامش ملت و نگهداشت این خطه، هیچ مرز و سرحدی را نشناخت و از هیچگونه فداکاری درین راه دریغ ننمود.

بلی! چپاول از دارایی ملت را که ایشان دایم از کلمه "بیت المال" در مورد استفاده مینمودند، در مکتب ایشان غارتی بود از خون رگهای تن و وجودش، و با توانی که داشت همواره سعی نمودند از دارائی خانواده خود بکاهد و تسلیم بیت المالش سازد. تحویل زمین های چلتن به ملت و دولت، اعمار شفاخانه "هاشم خان زیژنتون" که مصارف آنرا از فروش اموال سردار محمد هاشم خان تهیه نمودند و به صد ها مثال زنده دیگر شاهد و گواه بزرگواریهی این رهبر است.

تہمتگران و سفسطہ گویان مغرور خطابش کردند ولی بگذارید یک چشم دید خود را درین فرصت با شما شریک سازم: با مصنفان خود برای امتحانات پوهنتون آمادگی می گرفتیم و برای تکرار دروس همه در شهرارا گرد هم آمده بودیم. شام بود و همگی تصمیم گرفتیم به خانه های خود برگردیم. از مقابل تعمیری عبور کردیم که کار ساختمانی اش بسر نرسیده بود و کارگران برای استراحت به خانه های شان برگشته بودند. در مقابل تعمیر چشم به شهید داود خان افتاد که با دست های خویش چند خشتی را که روی پیاده رو افتیده بود برمیداشتند و به انبار خشت بجا مینمود. با شتاب برای ادای احترام جاده را عبور نمودم. با شوق خشتی را بجایش گذاشت و با خوشی ذایدالوصفی اظهار داشتند که " این بنای شفاخانه مادران کشور است. چند خشتی از دست کارگران روی پیاده رو افتیده، مباد که زیر پای رهروی قرار گیرد و هم اینکه چرا بیجا بشکند و از آن استفاده نشود." به شکستگی و بزرگواری ایشان تعجب کردم.

دشمنان به این رهبر تہمت بستند که بیانیہ های ایشان را کسی دیگری مینوشت و خود قادر نبودند صدای دلش را روی صفحه بیاورد. من قسمتی از بیانیہ سالگرد جمهوریت را به قلم شخص وی درین نوشته کاپی و ضمیمه نمودم تا بتوانم به اتهامات سبیه کاران جوابی تهیه نموده باشم.

غرور شهید محمد داود خان تاریخ افتخار آفرین این خطه، و سر بلندی فرزندان این خاک بود که به قول تاریخ این ملت مبارز در برابر دشمن از خود نشان داده اند و این سوال ایشان در لویه جرگہ به نمایندگان ملت که می پرسند: " ای ملتی که در سخت ترین پیکار های تاریخ پر افتخار خود همت عالی و غرور ملی خود را از دست ندادید، چرا امروز به خود احساس ضعف و ناتوانی مینمائید؟ " مرا به این باور میرساند که این زعیم ملی به توانمندی ملت افغان مینازید و خواسته های هموطن و حق مادر وطن را وجبیه و وظیفه خویش میخواند.

شهید محمد داود خان از دویی و دورنگی و قوم و تبار پرستی و تبعض نگران بود و به زبانهای ملی کشور سخت ارج می گذاشت. من توصل (لینک) آنلاين این بیانیہ را در پایان جا داده ام تا شما خود سراغار بیانیہ این قائد ملی را بزبان پشتو و بقیہ اش را به دری از زبان شخص ایشان بشنوئید و هم با شنیدن این بیانیہ احساس پاک این رهبر شهید را در کلماتش که از عمق دریای دلش سرچشمه میگیرد خود درک نمائید.

شهید محمد داود خان در پایان این لویه جرگہ اولین جملہ بیانیہ 26 سرطان خویش را تکرار مینماید: " بنده در طول مدت مسئولیت های مختلف در خدمت وطنم همیشه در جستجوی هدفی بودم که برای مردم افغانستان، مخصوصاً طبقات محروم و نسل جوان مملکت ما، یک محیط مثبت و واقعی نشو و نمای مادی و معنوی، میسر

گردد و در آن، همه افراد وطن ما بدون تبعیض و امتیاز، در راه تعالی و عمران وطن خود سهم گرفته و احساس مسئولیت نمایند...". باز چه صادقانه میگویند: " این جمله را که من گفتم، از قلب من بود، از ایمان من بود و از وجدان من بود".

به شهادت تاریخ به یادداشت شاد روان محترم استاد عبدالرحمن پژواک شخصیتی که تاریخ وطن بزرگش نگه خواهد داشت، تکیه میکنم که مینویسد:

}} به هر حال "امور مملکت خویش خسروان دانند" یکی از آن گفته های نادرست است که مثل عام شده اند و مردم دانسته و نا دانسته آنرا درست و قابل قبول دانسته اند. البته این گفته به جایی میرود که کشور خسرو و خسرو کشور بود و مردم کشور اصلاً به شمار موجودات نمی آمدند، چه رسد به آنکه موجودات قابل اعتنا به شمار روند. من شخصا در مورد پشتونستان عقیده ای مستقل داشتم و آن این بود که این خاک (پشتونستان) حق مسلم مردم افغانستان و جز لاینفک خاک افغانستان است و افغانستان باید موقف الحاق آن را اتخاذ نماید. برای آنکه مردم پشتونستان جلب

شوند صرف پول کشور فقیری مانند افغانستان پالیزی درست نیست. به عقیده من باید قوانین و تطبیق قوانین در افغانستان طوری وضع و مورد عمل قرار گیرد که مردم پشتونستان در پیوستن به یک کشور قانونی بر اساس مساوات و عدالت اجتماعی، مراعات آزادی های اساسی و حقوق بشری تاخیر و تعلل نکنند. بدون اینگونه قوانین، دیگر طوایف افغان (غیر پشتون) از پشتونستان به بیم و هراس بیشتر دچار خواهند شد. زیرا نفوس پشتون در افغانستان دو چند خواهد شد و با اکثریتی که از قرن ها به اینسو داشته است، پشتون اقوام دیگر مملکت را بیشتر تحت نفوذ خواهد درآورد و از اینرو افغانستانی وجود نخواهد داشت و افغانستان عزیز، پشتونستان غیر قابل قبول و تحمل خواهد گردید.

بهر صورت نظریه من، نظریه خالصانه یک فرد عادی افغان بود و طبعاً مورد قبول واقع نمی گردید، اما چون سردار محمد داوود خان نظریه مرا در باره پشتونستان قوی تر و وسیع تر از نظریه خودش می یافت، در مذاکرات روی قضیه پشتونستان به من اعتماد کامل داشت و در همه مذاکرات مرا داخل و شامل می ساخت. شرح همه موضوع مثنوی هفتاد و هفت دفتر می شود.

به پاکستان رفتیم. پاکستانی ها از نقطه نظر تشریفات به حد اعلی پذیرایی و میهمانوازی کردند. اما از نقطه نظر مفاهمه بسیار مشکل تراشی کرده و سخت گرفتند. به طور خاص در مذاکرات سهمی بزرگ به جنرال ایوب خان دادند که خودش پشتون بود و از طرف مردم پشتون به طرفداری پاکستان اقامه دلیل می کرد و در حالیکه دیگران به نرمی حرف می زدند، او با لهجه شدید و تهدید آمیز سخن می گفت و دیگر پاکستانی ها سخنان او را به حیث آرزومندی مردم پشتون به رخ ما می کشیدند. جنرال ایوب خان مانند دیگران به زبان انگلیسی حرف می زد. سردار محمد داوود خان اگرچه کافی انگلیسی می دانست، همیشه ترجیح می داد که مطالب ترجمه شوند. به من فرمود که گفتارهای خودش و گفتارهای دیگران را ترجمه کنم. من کوشش می کردم ترجمه گفتار ایوب خان از لهجه بی معنی، احساساتی و نمایشی او عاری باشد تا سردار عذری داشته باشد که برخلاف طبیعت خود اظهار عصبیت نکند و مذاکرات را قطع نکند.

اما بعد از آن به من معلوم شد سردار محمد داوود خان اصلاً مرد صبور و متحمل است، زیرا می دانست لهجه جنرال ایوب خان تهدید آمیز است اما آن را به روی خود نمی آورد و ترجمه مرا مدنظر می گرفت. باید تذکر بدهم در همه کشورها و مذاکرات وقتی ترجمانی را به من می سپرد، می گفت در ترجمه گفتار او اگر لازم ببینم تغییری بدهم اجازه دارم. اما این را نگفته بود که در ترجمه دیگران نیز می توانم تصرف کنم. به هر حال حدس من درست بود زیرا بعد از ختم مجلس اول به من گفت "این فرزند ناخلف و حرامی (جنرال ایوب خان) بر پدر و مادر خود لعنت می فرستد." و علاوه کرد "خوب کردی در ترجمه لهجه او را نرمتر ساختی ورنه من به دهنش می زدم." من از این گفته دل گرفتم و سیاستمداری او را در دل ستودم. در عین زمان درسی آموختم و هم در شناختن شخصیت وی کشفی نو دست داد. نظریه اکثر مردم را که من هم مایل بودم به آن صحت قابل شوم، غلط یافتم که می گفتند "سردار مردی احساساتی و عصبی است". اما معلوم شد که مرد بی سنجش نبود و اگر اظهار عصبیت می کرد، آن را نیز سنجیده به کار می بست و احساسات او (اقلاً با خارجیان) در مذاکرات مهم در اختیار و زیر کنترل او بود.

دلچسپ اینست که روزی برای شکار دواج دعوتی دادند و اعضای هیئت افغانی و پاکستانی به طور مخلوط در حصه های مختلف شکارگاه تیم های شکار را تشکیل دادند. صدراعظم و رییس جمهور نیز شرکت داشتند. من در

حلقه جنرال ایوب خان بودم. جنرال ایوب خان به من گفت "در ترجمه من تصرف کردی." (به زبان فارسی، پشتو و انگلیسی بلد بود)، گفتم "لهجه شما خیلی شدید بود و سردار اینگونه لهجه را تحمل نمی کنند و من به حیث یک پشتون روادار نبودم، دو پشتون با هم بجنگند و پنجابیانش تماشا کنند." وقتی بعد از شکار این گزارش را به سردار گفتم، خیلی خوشحال شد و گفت "به راستی پشتون هستی." و خیلی خندیدیم. انصافاً شخص ملی و وطنخواه بود و بعد از وزیر اکبر خان نمی توان نظیر و مثل او را در تاریخ افغان ها سراغ کرد.

از وارد شدن اینگونه معترضه ها در نوشته ای از این نوع نمیتوان جلوگیری کرد. امید است این خاطرات آفاقی ما را از مطالب اساسی خیلی ها به دور نیندازد. اینک باز می گردیم به اصل مطلب.

در پایان مسافرت به پاکستان بعد از مذاکرات شباروزی که از طرف افغانستان من مسوول آن بودم و از طرف پاکستان مستر بیگ (سکرتر ژنرال وزارت خارجه پاکستان) موافقه به عمل آمد که با وجود اختلافات عمیق در موقف های طرفین مرغوب است تا یک اعلامیه مشترک نشر شود. اصرار بر اعلامیه مشترک از طرف پاکستان بود. با استفاده از موقع من اصرار کردم که باید به غرض حفظ امانتکاری حکومت های طرفین به مردمان شان نام پشتونستان در اعلامیه مشترک ذکر شود. پاکستان البته از وجود این کلمه انکار می کرد اما بالاخره به موافقه رسیدیم که کلمه پشتونستان در میان "ناخنک" بیاید.

وقت میان دو و چهار صبح بود. من به اتاق سردار رفتم تا بگویم مستر بیگ، صدراعظم پاکستان سهروردی را از خواب بیدار کرد و موافقت او را حاصل نموده به من ابلاغ کرد. سردار بیدار نشسته و منتظر نتیجه بود. گفت: برای بار اول نام پشتونستان ولو در میان ناخنک باشد، یک موفقیت است.

به ایشان گفتم اگر آنها خواسته باشند در کاپی اعلامیه مشترک و مطبوعات خود آن را در میان ناخنک می گیرند اما از جانب خود آن را در میان ناخنک نمی گیریم. منظور کرد و من دوباره به مجلس رفته به مستر بیگ اطلاع دادم.

فردا (در حقیقت همان روز) به طرف کابل حرکت کردیم. بعد از وداع با میزبانان در داخل طیاره (طیاره افغانی) سردار محمد داوود مرا در آغوش گرفت و از زحمات من تشکر کرد و موفقیت مرا تبریک گفت. در دل گفتم عجب دنیایی است، آنچه را توقع دارد همه مردم افغانستان به او تبریک بگویند، او به من تبریک می گوید.))

. بلی، غرورش ملتش بود و فرزندان صادق به وطن را بالاتر از فرزندان خود مینازید و دوست میداشت. شهادت بینظیر و همت والا و افتخار آفرین این قائد ملی را تاریخ گرامی میدارد و نسلهای آینده به عظمت این فرزند والای کشور خواهند بالید.

بیانیه شهید محمد داود خان در لویه جرگه

بسم الله الرحمن الرحيم

د لوی او توانا خدای په نامه

د افغانستان د ملت محترمو نمایندگانو! زموږ د ملت په عنعنو کښې دیموکراسۍ ژورې ریښې لري، او لکه چه تاسو ټولو ته معلومه ده، لویه جرگه زموږ د دې ملی خصوصیت یوه څرگنده نمونه ده. په دې مهم او تاریخي وخت کښې چه تاسې محترم هیوادوال د ملت په وکالت سره د افغانستان د جمهورۍ دورې د لومړنۍ جرگې د نماینده گانو په حیث نن ورځ په دې تالار کښې را ټول شوی یاست، او د هیواد د نوی جمهورۍ نظام د اساسی قانون په مسوده باندې د

د پاڼو شمیره: له 3 تر 15

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

غور کولو وروسته تصمیم نیسي، خپله وظیفه بولم، چه له ځان او خپلو ملگرو او همکارانو له خوا کابل ته ستاسی تشریف راوړلو ته د زړه له کومی ښه راغلاست ووايم. او په مسوده باندی د پوره غور کولو لپاره چه د گران افغانستان په سرنوشت او راتلونکی نیکمرغی کښی به ښکاره اغیزه ولری، د خدای له درباره ستاسی د موفقیت هیله کوم.

نماینده گان محترم ! ملت ها و جوامع در تلاش ها و جستجوی ارزو های تازه و مقاصد نو هستند و تاریخ در حقیقت عبارت از داستان ارتقاع بشر از یک مرحله به مرحله دیگر میباشد. بنا بر ان طبیعت، نیرو، ظرفیت و استعداد بشر به حیث یک موجود تاریخی با طرح های ثابت و ساکن سازگار نیست، و بشر تحول پسند، و ارتقاع پذیر است. وقتی پدیده ای مواجه به رکود و در نتیجه متوقف میگردد، قهراً عکس العملی را بار میآورد که شدت انعکاس آن مربوط به درجه فساد، فقر و بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی جامعه، وضع نابسامان مردم و بسا عوامل دیگر در کشور میباشد. انقلاب عملیه تغیر، اصلاح و تحول در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است، به نحوی که منافع اکثریت مردم را به شیوه های مثبت، و مترقی، مطابق به شرایط و قانون تکامل جامعه علماً و عملاً تامین نماید.

26 سرطان 1353 این تاریخ بزرگ و فراموش ناشدنی نقطه حرکت ما به سوی پیروزی نقطه درست و اصولی حرکت ما و تاریخ شکوهمند انقلاب ما بود.

انقلاب در هر جامعه مولود شرایط و عوامل نا همگون و غیر عادلانه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میباشد، که استمرار، دوام و بقای ان ملت را به اجبار، انحطاط و چنان خطرات جبران ناپذیری میکشاند که بی علاقه گی عناصر ملی، وطنپرست را در برابر آن میتوان گناه عظیم شمرد.

راجع به جامعه قبل از انقلاب سال 26 سرطان، در بیانیه های سابق های خود توضیحاتی به اطلاع عموم هموطنان عزیز رسانیده ام که دوباره توضیح مفصل آنرا تکرار میدانم و به خلاصه آن اکتفا میکنم.

اورگان های دولت استفاده های ناجایز را مسابقه کنان از مال بیت المال و جیب مردم حق مسلم خود میدانستند، استفاده از نفوذ مقام رسمی شکل قانون را به خود اختیار نموده بود. پاکی، تقوا و احساس وطنپرستی مورد استهزاء و تمسخر قرار میگرفت. اکثر مواد و احکام قانون اساسی نافذ وقت، و دیگر قوانین متعلق به آن عملاً به تعویق و الغا در آمده بود، و اجراءات خود سرانه و بیباکانه زیر عنوان دیموکراسی قلابی صورت میگرفت که حقایق آن البته از خاطره های هموطنان فراموش نگردیده است.

از لحاظ اقتصادی وضع کشور به حالت اشفته و رقت بار و قابل تأسف در آمده بود. رشد و توسعه اقتصادی که با تطبیق دو پلان 5 ساله اول و دوم نسبتاً سر و صورتی گرفته بود، به رکود و قهقرا مواجه شد و پلان گذاری کشور تابع انارشی و مربوط تصامیم آنی و عاجل قرار گرفت و در نتیجه این وضع، در عاید ملی کشور افزایش قابل ملاحظه ای به وجود نیامد، و از ان هم قسمت عمده آن همه سالانه به عوض اینکه سرمایه گذاری گردد به راه های غیر مثمر حیف و میل گردید. خلاصه اینکه طی آن چند سال نابسامانی ها و بی بند و باری های عام و تام از لحاظ اقتصاد در جامعه ما حکم فرما بود و این امر اقتصاد کشور را در استانه ورشکست قرار داد و موجب کندی کامل رشد اقتصادی و اجتماعی مملکت گردید.

از لحاظ اجتماعی، علاوه از فقر و بیسوادی و بیماری که متأسفانه نصیب اکثر کشور های در حال رشد میباشد، بیکاری و عدالت ناشی از عدم هماهنگی در سکتور های مختلف دولت یاس و نا امیدی را بیش از پیش، در دل و دماغ مردم خاصاً جوانان به شدت جا گزین ساخت. اندیشه ها، نظریات و افکار افراطی و تفریطی کورکورانه به نسل جوان استیلا یافت. تناقضات و تضاد ها در فکر و عمل ریشه دواند. قوه مقننه، کشور خصلت و ماهیت اصلی خود را

از دست داده بود و به عوض دفاع از منافع حقوق واقعی مردم و احترام به قانون عده آنها خود قانون شکن گشتند و به اعمال ضد مردمی اغشته و الوده شدند، و به منتهای بیباکی از همه انواع فساد، بی نظمی ها و الخلال گرایی ها یا پیشتبانی نمودند یا چشم پوشیدند.

فقر، تنگدستی و فشار نصیب اکثریت محروم جامعه بود و مانند مال و متاع موروثی، همواره از اطراف به اخلاق آنها منتقل می شد. برعکس دارایی، نفوذ، راحت و اسباب تنعم مادی نصیب عده محدودی بود که در واقعیت امر میتوانستند همه اجراءات و مقررات دولت را به سود و دفاع از منافع شخصی خود چرخ دهند و به اشکال مرئی و نامرئی، در سایر تشکیلات دولت نفوذ خود را تقویه، بسط و توسعه بخشند.

قوه قضا یعنی رکن مهم دیگر دولت، در تحت چنین شرایط و فضا ممکن نبود تحت تاثیر قرار نگیرد و براستی بتواند طوریکه شاید و باید عدالت را به مفهوم حقیقی آن در کشور برقرار نگهدارد. شکاف عمیق در شیرازه وحدت ملت، شخصیت و تلاش های فکر و عمل، ایجاد و ازدیاد تضاد ها و عقده ها، قانون شکنی و لجام گسیختگی، انارشی و فقدان نظم و دسپلین ملی، جامعه ما را به درجه علیل، مریض و ناتوان ساخته بود که به اندک ترین نا مبالاتی و بی تفاوتی دیگر، قریب بودمحووم به سقوط و نیستی گردد.

چنین محیط تیره و تاریک و فضای اشفته و رفت بار موجب و علل عمده ایرا فراهم نمود تا به منظور دفاع از هستی و بقای جامعه و به منظور نجات کشور از فساد و اجبار و حکم ضمیر و نزاع وجدان عملی را انجام دهیم که غایه و هدف اصلی آن جز سعادت و اعتلای حقیقی وطن و خدمت به اکثریت مردم نجیب افغانستان چیزی دیگری نباشد.

نتایج تلخ و ناگوار آن دوره امروز نصیب ما گردید و سالیانی بکار است تا این همه انارشی و تفرقه، فساد اجتماعی و اداری، رکود اقتصادی و بی عدالتی های اجتماعی یکی بعد دیگر اصلاح گردد و وضع اقتصادی و اجتماعی کشور به منفعت اکثریت مردم بهبودیابد، که این عملیه به ذات خود تغیر ذهنی افراد این کشور را از سوابق کهنه و فاسد گذشته، ایجاب می کند و انرا موافق با روحیه ملی، اصول اخلاقی و انسانی یک جامعه مترقی موافق به عصر و زمان حتمی و لازمی می سازد.

متکی به شرح مقصد فوق انقلاب ۲۶ سرطان یک ضرورت حیاتی و رسالت تاریخی و ملی بود. این انقلاب در واقعیت و حقیقت دفاع از مصالح و منافع ملی و ترجمان راستین از افکار و نظریات مردم نجیب افغانستان بود. منظور دیگر آن تنها تغیر رژیم به رژیم دیگر و یا انتقال قدرت از دست به دستی نبود، بلکه پاسخ راستین به نیاز های مبرم داخلی، خواسته های عصر و زمان ما است و از آغاز خود به اراده حیثیت برای ملت و احیای مجدد نیرو های مردم که در اثر دسیسه های استعماری، مفاصد و نارسائی های داخلی، در هم و برهم شده بود. مساعی دامنه دار و همه جانبه خود را به راه انداخت و از همان آغاز از یک طرف پلان های بنیادی و اصلاحات اساسی را در زمینه اقتصاد و نیروی تولید سر دست گرفت و از جهتی هم در بخش قوانین و ریفورم های که محتوی و ماهیت آن بر اساس ایدیالوژی ملی مترقی که مطابق و با موازین ملی و اسلامی هماهنگ و با شرایط عینی و ذهنی جامعه و متناسب به واقعیت های تاریخ است نافذ ساخت. تصامیمی را که ما به حیث روش اقتصادی به منظور سازمان دهی جامعه نوین افغانی برگزیده ایم، در حقیقت امر راه توصل به عدالت اجتماعی و از بین بردن تفاوت و تضاد طبقاتی به شیوه های مثبت و مترقی به طرق مصالحت آمیز آن است. و این همان روش و راهی ایست که منافع انرا واقعیت های تاریخ، فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما، و روحیه حقیقی و واقعی اسلام تشکیل میدهد، و از اصول عمده و اساسات مترقی آن در جهت تامین حق و عدالت، آزادی و مساوات، برادری و برابری و محکوم نمودن تبعیض و ریشه کن ساختن استثمار و از بین بردن هر نوع بهره کشی انسان از انسان استفاده میکند.

د پانو شمیره: له 5 تر 15

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نماینده گان محترم ! در این دوره حساس و تاریخی کشور و در این فرصتی که همه وطن پرستان واقعی و شیفته اعتلای این خاک با تمام امکانات بشری خود، به امید ساختمان یک افغانستان نوین، نیرومند و سرفراز، و به منظور خدمت به اکثریت مردم خود، از صمیم قلب میکوشند و می تند، یک اقلیت مرتجع ، ضد ملی و ضد انقلاب وجود دارد که زیر افکار و عناوین مختلف و شعارهای ظاهراً مترقی، اما کاذب و فریبنده می خواهند بین طبقات مختلف ملت از یکطرف، و بین ملت و دولت از طرف دیگر، بدبینی، تفرقه و نفاق تولید نمایند و در نتیجه از مقاصد شوم خود بهره برداری ناجایز نمایند، اما به شهادت تاریخ اطمینان کامل دارم که در برابر شعور طبیعی ملت افغانستان و تجارب آنها ، اغراض شوم ضد مردمی و ضد ملی همچو عناصر، مثل همیش به شکست مواجه خواهد شد.

درین مدت سه و نیم سال دولت جمهوری با دل فراخ و با کمال حوصله و خونسردی پروپاگند و اتهامات غرض الودی را بر ما بستند ، شنیدیم و می شنویم، از اهداف شوم و مقاصد شوم آنها آگاه هستیم، تخریشات و تخریباتی که بر ضد انقلاب و سلامت ملی به عمل آورند و یا بیاورند، بی اطلاع نیستیم و نخواهیم بود. لذا به آنها خاطر نشان میسازیم که هیچگونه تبلیغات سوء ، تخریشات و تخریبات آنها مانع حرکت ما به سوی پیشرفت و به ثمر رساندن هدف انقلاب ملی ما که خدمت به اکثریت مردم افغانستان است، نخواهد گردید. و به لطف خداوند بزرگ و باپشتیبانی قاتبه ملت افغانستان به این راه حق ، مترقی و مردمی یکجا دست به دست ملت خویش به پیش خواهیم رفت.

تحلیل و ارزیابی وضع اقتصادی و اجتماعی کشور مخصوصاً بعد از ختم دوره اول و دوم پلان پنج ساله الی آغاز انقلاب 26 سرطان اجراءات و مساعی ایکه در ظرف سه سال جمهوریت یعنی الی ختم سال 1354 بعمل آمده و همچنان توضیح اولین پلان ۷ ساله جمهوریت که از عمل هذالسنه شروع گردیده با تحلیل و ارزیابی ان در وضع اقتصادی و اجتماعی کشور در ختم پلان از طرف من و وزرای محترم وقتاً فوقتاً توسط رادیو و جراید به اطلاع عموم هموطنان رسانیده شده و روشنی کافی در موضوعات فوق انداخته است که نمی خواهم وقت وکلای محترم را با تکرار دوباره ان صرف کنم. آنچه میخواهم به صورت مختصر تذکر دهم، خطوط عمده ایست که با تطبیق اهداف، پروگرام و معیار های سیاست اقتصادی در ختم پلان هفت ساله چه تغییراتی در ساحات اقتصادی و اجتماعی کشور به میان می آید.

رشد عواید ملی، رشد عواید داخلی 144.6 فیصد، رشد مصارف سرمایه گذاری 497 فیصد و رشد مصارف عادی به اندازه 1.6 فیصد تخمین شده است که این امر منتج به تشکیل بیشتر سرمایه جهت تمویل مصارف انکشافی می گردد. ارزش صادرات به اندازه 73.8 فیصد از دیاد، و ارزش واردات در حدود 55 فیصد پیش بینی شده است. ارزش خالص تولیدات صنعتی از 5.56 میلیارد به 10.20 میلیارد افغانی افزایش می یابد که رشد 83.20 فیصد را احتوا می کند.

ارزش تولیدات زراعتی از 53.8 میلیارد افغانی به 73.9 میلیارد افغانی یا 37 فیصد افزایش خواهد یافت. تولید مجموعی انرژی برق از 700 میلیون کیلووات ساعت به 1600 میلیون، کیلووات ساعت بلند خواهد رفت، یعنی 128.6 فیصد.

وضع آبیاری زمین های فاقد آب کافی ساحه 1675000 جریب زمین، و زمین های بایر که جدیداً تحت آبیاری میابند، عبارت از 310 هزار جریب زمین خواهد بود.

طول مجموعی سرک های موتر رو، از 9200 کیلومتر به 11006 کیلومتر یا 19.6 فیصد افزایش خواهد یافت.

طی پلان هفت ساله منجمله طول مجموعی یک هزار هشتصد و ده کیلو متر خط آهن 1186 کیلومتر آن تحت ساختمان گرفته خواهد شد.

طول عمومی لین های چنل سیتم از 2700 کیلو متر به 4700 کیلومتر یعنی 73.1 فیصد و تعداد تیلیفون از 21 هزار پایه به 40 هزار پایه افزایش می یابد، یعنی 90.5 فیصد، و سیستم مایکروویو به ظرفیت 300 کانال مخابره تیلیفونی و تلویزیونی تکمیل خواهد گردید.

تعداد مکاتب ابتدای اساسی از 1345 باب به 2355 باب و تعداد مکاتب مسلکی از 29 باب به 84 باب، یعنی بالترتیب از 75 فیصد به 128 فیصد افزون خواهد شد. فیصدی جذب شاگردان دارای سن شمول به مکتب از 44 فیصد به بیش از 70 فیصد بلند خواهد رفت و تعداد شاگردان دوره ابتدایی از 710 هزار به یک میلیون سه صد هزار نفر یا به 64.6 فیصد، در اخیر پلان خواهد رسید.

تعداد بستر در شفاخانه های ملکی از 3600 به 5200 بستر یعنی 58 فیصد افزون خواهد گردید و در اخیر پلان به تعداد داکتر 89% افزایش به عمل خواهد آمد.

در نتیجه این همه تحولات در ساحات اقتصادی و اجتماعی اوسط رشد سالانه عاید غیر خالص ملی از 2.4 فیصد به 6.3 فیصد ارتقاع، و همچنان رشد وسطی سالانه عاید فی نفر در پلان 7 ساله از 0.01 فیصد به 4 فیصد نسبت به سال گذشته بلند برده خواهد شد

با تطبیق پروگرام های انکشافی و توسعه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و اداری در پلان هفت ساله برای 208 هزار نفر به سویه عالی، متوسط و کارگر ماهر زمینه استخدام فراهم خواهد شد

باید دانست که تطبیق اهداف فوق و تامین انکشاف اقتصادی تنها و تنها وابسته به حجم سرمایه گذاری و منابع مالی نبوده، ایجاب میکند همزمان قدم های استواری در راه ایجاد یک اداره سالم اقتصادی، طرح اساسات قانونی و تربیه کدر های فنی برداشته شود.

برای آنکه عملیه پلان گذاری بصورت منسجم ادامه یابد، دولت به طرح پلان های طویل المدت در بعضی سکتور های مهم اقدام خواهد نمود و واحد های پلان گذاری و تطبیق پلان را در ترتیب تمام سطوح تقویه خواهد نمود.

انکشاف سالم اقتصادی بدون تردید ایجاب میکند تا اصول اداری کشور با نیاز مندی ها هماهنگ گردد. در پلان هفت ساله دولت جمهوری سعی خواهد نمود بعد از تشخیص پرابلم ها، روش های اداری را مرحله به مرحله اصلاح و تشکیلات لازم برای تطبیق ریفورم اداری ایجاد کند.

طی مدت 7 سال ممکن در بعضی از پیش بینی ها تغییراتی وارد گردد و نوسانات اقتصادی بین المللی مخصوصاً اهداف پلان را متأثر سازد. بنابراین تحولات ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی در چوکات پلان های سالانه رعایت گردد.

نظر اندازی به تاریخ کشور ما این واقعیت را ثابت می سازد، هر وقتیکه ارزشهای مشترک ملت و زعامت ملی افغانستان برای حفظ هویت ملی، استقلال کشور، ترقی و تعالی افغانستان متجلی بود، به همان درجه ما بر مشکلات فایز میشدیم. و راه خود را برای رسیدن به هدف می یافتیم، اما تاریخ این راهم نشان داده که بی تصمیمی و بی اتفاقی و پراکنده گی آرزوهای ما را کشته و ما را از راه ما برای نیل به هدف دور کرده و سیر پیشرفت ما را بعضاً بطی و گاهی متوقف ساخته است.

د پانو شمیره: له 7 تر 15

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولئ

امروز نیز از همان لحظات تاریخ افغانستان است که ملت با یک مشکل بزرگ مواجه می باشد. این مشکل عبارت از مشکل پسمانده گی است. در جهان امروز هیچ مشکل، مشکل تر از مشکل پسمانده گی نیست.

نماینده گان محترم ! حقایق و واقعیات ها هر قدر تلخ و ناگوار هم باشد، نمی توان به هیچ صورت انها را نادیده گرفت و یا از ان انکار نمود. با قبول این حقیقت باید کاملاً ملتفت باشیم که یک ملتی در حال رشد با هزاران مشکلات و پرابلم های متعدد اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ، داخلی و خارجی با امکانات محدودی دست داشته خود، بدون حوصله و قبول محرومیت ها و زحمات دوامدار و خسته گی ناپذیر اقلأ یک نسل ، امید رسیدن به فردای بهتر خیلی مشکل به نظر میرسد.

انهای که تنها به سخنان و کلمات میان خالی بخواهند خود و مردم خود را فریب دهند، در حقیقت در برابر تاریخ و مردم خود مرتکب گناه عظیم شده خواهند بود.

نماینده گان محترم ملت ! تهداب و اساس سیاست خارجی دولت جمهوری افغانستان به دو اصل عمده و مهم ذیل استوار است: اولاً بر حفظ استقلال منافع و حاکمیت ملی، که بر اساس روحیه ناسیونالیزم و ازاد منشی مردم ما ، که مقدس ترین میراث پر افتخار و حماسه های درخشان و خاطره های ملی ما می باشد، استوار است و خواهد بود.

ثانیاً بر بنای بیطرفی مثبت و بر اساس عدم انسلاک، قضاوت ازاد در مسایل بین المللی ، همزیستی مصالحت امیز و احترام متقابل با همه مردم و ملل صلح دوست جهان و احترام به منشور ملل متحد.

در این ارزو مندی هیچگونه تبعیض در مورد هیچ کشور صلح دوست جهان چه خورد و چه بزرگ ، چه دور و چه نزدیک نزد ما وجود ندارد و این ارزومندی از تمنیات نیک و صلح جویانه مردم افغانستان الهام و سر چشمه می گیرد. به منظور تحقق بخشیدن این سیاست خارجی کشور از آغاز تاسیس رژیم نوین کشور به منظور معرفی بهتر افغانستان و توضیح اهداف انقلاب و نظام جمهوری ما مسافرت های رسمی و دوستانه که در بسا کشور های دوست صورت گرفت، که نتایج بسیار مفید و مؤثری از همه این مسافرت ها و تماس ها حاصل شده و منتج به تحکیم بیشتر روابط دوستانه و توسعه همکاری های اقتصادی و تخنیکی ما با کشور های مذکور گردیده است.

با توضیح مختصر فوق می خواهم راجع به انکشاف روابط افغانستان با بعضی از کشور های جهان و منطقه به صورت خاص تذکراتی بدهم.

روابط دوستانه جمهوریت افغانستان با کشور دوست و همسایه بزرگ ما اتحاد جماهیر شوروی به صورت خلل نا پذیر ادامه دارد. این دو کشور ، بر اساس همزیستی مصالحت امیز ، همسایه گی نیک، و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر همکاری های مثمر و متقابل خود را یک بار دیگر با امضای پروتوکول تمدید معاهده عدم تجاوز متقابل تقویت مزید بخشیدند.

مناسبات جمهوریت افغانستان با کشور همسایه ما ایران ، متکی بر علایق دیرین دوستی و برادری استوار است. یگانه اختلاف تخیکی، سر موضوع دلتای آب هلمند که چندین سال تا حدی سبب سردی روابط دوستانه ما گردیده بود، با قراردادی که پس از طی مراحل قانونی خود به پیشنهاد حکومت ، تصویب شورای ملی و توشیع پادشاه وقت بین مملکتین منعقد گردید، با تبادل اسناد مصدقه ان دلیل دیگری بین کشور های ما وجود ندارد که مانع گسترش و توسعه بیشتر روابط دوستانه ما گردد.

علايق ما با همسايه بزرگ ديگر ما جمهوريت مردم چين هميشه دوستانه بوده و اين دوستي بر اصول همزيستي مصالمت اميز و حسن همجوارى استوار ميباشد. اميدوارم اين علايق دوستانه که به منفعت ملت هاى ماست ، هر چه بيشتر گسترش و تقويت يابد.

راجع به مناسبات افغانستان با پاکستان بايد گفت که افغانستان به حيث یک کشور صلح دوست همواره طرفدار حل شرافتمندانه يگانه اختلاف سياسى خود با پاکستان به اساس مذاکرات مستقيم و مصالمت اميز بوده است. مسافرت شاعلى ذوالفقار على بوتو، صدراعظم پاکستان به افغانستان و مسافرت اين جانب به پاکستان در سال جارى به طرفين موقع داد تا روى موضوع اختلاف سياسى که از ساليان دراز بين دو کشور موجود بوده و است مذاکره و تبادل نظر بعمل آيد. در نتيجه اين تماس هاى مستقيم و تبادل افکار که در یک فضاي صميميت و تفاهم صورت گرفت، فضاي پديد آمده که ما را اميدوار مى سازد که اختلاف سياسى ما در اينده راه حل شرافتمندانه را بيباد و نتيجه آن دو کشور بتواند مانند دوستان باهم زندگى کنند. تا کنون قدم مثبتى که در نتيجه اين تماس هاى مستقيم و مسافرت هاى زعمای هر دو کشور و ممالک يکديگر شان برداشته شده تارسيدن يا نه رسيدن يه یک حد نهايى و شرافتمندانه قضيه پشتونستان که عبارت از موافقه طرفين و خود دارى از تبليغات مخاصمانه عليه يکديگر شان مى باشد، که اين قدم بذات خود نماينگر ارزومندى جانبين براى رفع اين اختلاف اصلى شمرده شده ميتواند.

افغانستان هميشه و بطور مداوم از احقاق حقوق برادران پشتون و بلوچ خود پشتيبانى نموده و مى نمايد. نقطه اساسى ايکه اختلاف سياسى دو کشور را طى ساليان متمادى بوجود آورده ، تنها و تنها همين پرابلم بوده که اميدوارم جوانب ذيعلاقه بتوانند روزى به حل شرافتمندانه اين اختلاف سياسى خود نایل گردند.

مناسبات دوستانه و عنعنوى افغانستان و هند با روى کار آمدن رژيم جمهورى در کشور وارد مرحله جديدي گرديده و زمينه همکارى هاى وسيعترى را بين دو کشور دوست و غير منسلک منطقه فراهم کرده است. اميدوارم با توسعه مزيد روابط دوستى و همکارى بين کشور هاى ما براى تأمين صلح و ثبات در منطقه مفيد و موثر باشد.

روابط افغانستان با ايالات متحده امريکا از شروع تاسيس خود بر بناى دوستى و حسن تفاهم بر قرار بوده و از آغاز استقرار نظام جمهورى در کشور توسعه و تشييد مزيد يافته است. مسافرت هاى دوستانه رجال طرفين در کشور هاى همدیگر شان موجبات دوستى و تفاهم بيشترى را بين کشور هاى ما به ميان آورده است.

در اين موقع وجداناً خود را مکلف ميدانم تا از طرف مردم و حکومت افغانستان و شخص خودم نسبت به کمک هاى دوستانه اقتصادى و تخنيکى جمله کشورهاى دوست و ساير موسسات بين المللى که در پلان انکشاف اقتصادى و اجتماعى کشور ما سهم بارز و موثرى گرفته اند، از صميم قلب اظهار شکران و سپاس گذارى خواهم کرنايم.

نماينده گان محترم ملت ! افغانستان از جمله کشور هاى غير منسلک و منسوب به جهان سوم ميباشد. جهاني که ساليان دراز تحت تاثير استعمار و امپرياليزم جهاني صدمات و خسارات بزرگى را متحمل گرديده ، امروز از خواب غفلت بيدار شده است. احتياج مبرم و حتمى اين جهان به غرض تحول و انکشاف، آنها را به جنبش و حرکت جديد دينامى واداشته که در اين عصر نمیتوان انرا بى تاثير و نادیده تلقى کرد، و شکی نيست که اين مرحله مهم تاريخ است. موفقيت اين جنبش عظيم از همه بيشتر بسته به وضعيت فکر و عمل کامل آنها خواهد بود. بايد شرايط عيى و ذهنى هر یک از ين کشورها دقيقاً تحليل شود، تا در روشنى ان به شکل یک جبهه واحد، حرکت به سوى ارتقاع موثر تسريع گردد. ارمان هاى جهان سوم به منظور ترقى اجتماعى و ايجاد یک جامعه متوازن و مرفه، متكى بر عدالت اجتماعى از طريق ايتار و زحمات فراوان به نتيجه مطلوب خواهد رسيد.

د پانو شميره: له 9 تر 15

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

افغانستان به حیث یک کشور اسلامی با اعتقاد خاصی که به ارزش های عالی و ارشادات مقدس اسلامی دارد و تامین آنرا متضمن سعادت جامعه اسلامی می‌داند، مساعی صادقانه خود را در راه تامین نزدیکی و همبستگی بیشتر و همکاری های وسیعتر بین کشورهای اسلامی ادامه داده است.

افغانستان همواره خواهان اعاده کامل حقوق مشروع مردم فلسطین بوده و با پشتیبانی همیشگی خود از مجادلات قهرمانانه ملت دلیر فلسطین ادامه می‌دهد و عقیده دارد، تا زمانی که اراضی اشغالی عربی از تسلط قوای اشغالگر اسرائیل تخلیه نگردد، و حقوق حقه فلسطین برای تاسیس یک دولت فلسطین تحقق نیابد، معطله شرق میانه حل نگردیده و صلح عادلانه و دوامدار در این منطقه حساس و مهم جهانی تامین شده نمیتواند.

سیاست ما سیاست صلح و دوستی و احترام به حقوق و منافع دیگران است. در عین زمان باید بگویم که ملت افغانستان تحت هیچگونه شرایطی به عدم منافع ملی خود وادار نخواهد شد و بر پرنسپ های اساسی خود معامله و سازش نخواهد کرد.

وکلاي محترم لویه جرگه! با کسب گذارشات مختصر فوق از این سه و نیم سالی که از انقلاب ملی و نظام فرخنده جمهوری ما گذشت، حال اجازه می‌خواهم تا سر موضوعی که امروز به آن منظور در این جا یعنی در مرکز کشور خویش دور هم گرد آمده ایم. چند کلمه ای به عرض برسانم.

به تاسی از احساس مسوولیت بزرگ در برابر مردم که افتخار خدمتگذاری آنها را به عهده دارم و وفا به پرنسپ های انقلاب ما، خود را مکلف میدانم تا وجایب خویش را با کمال امانت داری، در حدود توانم در برابر ملت حقدار و نجیب افغانستان ایفا نمایم.

با پیروی از همین احساس صادقانه و با در نظر داشت این واقعیت مسلمی که در طول تاریخ معاصر وطن خود ما و بسا از کشورهای دیگر، آنچه تجارب تلخ نشان داده و به همگان آشنا است، نه استبداد و مطلق العنانی و نه لجام گسیختگی و انارشی، هیچکدام نتوانسته و نمیتواند دردهای حقیقی یک ملت رو به انکشاف را مدوا سازد. من متعقد هستم، مردم افغانستان در وضع کنونی هر چه بیشتر به همبستگی کامل وحدت فکر عمل، کار و زحمت خستگی ناپذیر در محیط برابری و برادری و امیخته با یک احساس قوی دسپلین ملی ضرورت دارد.

لذا از تجارب گذشته باید آموخت و برای سعادت آینده و طن خود در جهت رشد طبیعی راهی را باید جستجو کرد که در شرایط فعلی و ملی، خالی از افراط و تفریط و تقلید نا آگاهانه بوده برای انکشاف سریع و سالم کشور مفید و موثر واقع گردد.

طوری که سالها قبل گفته بودم و این عقیده خود را تکرار میکنم. هدف نهایی هر تحول جز قایم ساختن یک دیموکراسی واقعی و معقول، که بنای آن بر تاسیس حقوق اکثریت مردم و اصل حاکمیت ملی استوار باشد، چیزی دیگری بوده نمیتواند. به تاسی از، این مفکوره بعد از تحقق ثبات انقلاب، توفیق خداوندی و با همکاری کمیسیون های که به این منظور تعیین شده بودند، مسوده قانون اساسی جمهوریت افغانستان ترتیب و اینک آنرا حسب وعده به حضور شما وکلای محترم لویه جرگه افغانستان تقدیم میکنم. صرف آنچه را من از اعضای محترم این مجلس بزرگ ملی آرزو و تمنا دارم، اینست که مسوده قانون اساسی به شیوه کاملاً دیموکراتیک و ازاد مورد غور و مذاکره قرار گیرد.

امیدوارم قانون اساسی دولت جمهوری بحيث مشعل فروزان انقلاب 26 سرطان ، راهنما و دستورالعمل شایسته ای برای دولت به شمار آید و در پرتو هدایات آن ملت نجیب افغان بتوانند شالوده ای یک افغانستان قوی و مستحکم ، مترقی و آبرومند را بنیان گذاری کند.

ملت غیور و با شهامت افغانستان! دیگر فرصت ان نیست نا نیروی های ملی در برابر مصالح ملی و اهداف انقلاب شکل انزوا و بیتفاوتی را اختیار نماید و به شکل عناصر پسیف و غیر فعال جامعه، بصورت اعضای تفیلی به حیث یک قشر مستهلک و فاقد رسالت باقی بماند. زیرا انقلاب ملی به همه نیرو های وطن پرست وظیفه میدهد تا اصول و اساسات انقلاب را از سطح به عمق و از عمق به سطح تامین و گسترش دهند و در راه به سر رسانیدن اهداف انقلاب نیروی های خویش را در خدمت و راهنمایی مردم خود از شهر به شهر و از قریه به قریه ، به مصرف رسانند و به عادت فکر و عمل در مزرعه و کارگاه، در دفتر و پشت جبهه یکسان و هماهنگ در راه پیشبرد اهداف انقلاب که جز اعتلای وطن و سر بلندی ملت افغانستان چیزی دیگری بوده نمیتواند، از صمیم قلب بکوشند. این رسالت تاریخی و انسانی انقلاب عظیم جمهوریت ما است و این هم وجدان های خبیر و آگاه نیروی های ملی که باید به ان لبیک بگویند.

اینها همه حماسه و مجرگ و شعار نیست، واقعیت است، تاریخ است، رسالت است و بالاخره آینده روشن و تا بناک و راه نجات است و بدون یک تعهد انقلابی مجهز به آیدیالوژی ملی مترقی، تحقق بخشیدن هر نوع عدالت اجتماعی در کشور از حدود یک شعار و تجاوز نخواهد کرد.

ای ملتی که در سخت ترین پیکار های تاریخ پر افتخار خود همت عالی و غرور ملی خود را از دست ندادید، چرا امروز به خود احساس ضعف و ناتوانی مینمائید؟

قبای زندگانی چاک تا کی؟

چو موران زیستن در خاک تاکی؟

بپرواز آی و شاهینی بیاموز

تلاش دانه در خاشاک تا کی؟

تل دی وی افغانستان پاینده باد ملت - ژوندی دی وی جمهوریت

نماینده گان محترم ملت! به اجازه شما برای انتخاب رئیس این لویه جرگه ملی ما، من از جناب استاد محترم که شاگردان زیادی را از جوانان این مملکت به پوهنتون افغانستان تربیه کردند ، از استاد حقانی خواهش میکنم که چوکی موقت ریاست را برای تعیین رئیس اصلی این لویه جرگه اشغال بفرمایند.

من الله توفیق

<http://yourlisten.com/atta.nasib/president-sardar-daud-khan>

د پانو شمیره: له 11 تر 15

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

د پاڼو شمېره: له 12 تر 15

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راټولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ



د جېمپوري د قتلو می ریاست

ملیج

یادداشت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوامع بتری خوانند، گاه می‌نند، رامش و ^{مستطیل} و در آن ترن و تکرار در وقت ^{یک}.

هیچ شکر و محبتی ندارد و درین وقت که بنده را
برای این قانون طبیعت است و بنده را
متوقف است.

جامعه ما بکدام هدف قانون زندگی را می‌پندارد ؟
نظر به این که در هر دو صورتی که در بالا ذکر شد ،
نوعی از زندگی را می‌پندارد ؟

انقد — ۲۲ شریان زنجیرهای درخت



(۶)

تلخ

د جهوری د قړلوی ریاست

یادداشت

انستصاد را در هم شکست و پردزی نړودهای مروتی
 وطن پرست بر نړودهای استنار کشت و در آبی عس
 جلمه محمد بن علی پسر محمد (تحقیق بخیرید) و بعضی آرزوهای دیرینه
 مردم فغانستان را بر آورد داشت.

چون هدف دین تقدیب بر مبنای تحولات عمره
 و بنیاده در صیات تقیدی، لقای و یکسانی به نفع
 اگر مست طبقات محوم و بر یکسان ناسیونالیزم
 مردم فغانستان استوار بود و صحت نارضاحت
 شده جلمه مرتجح و متعلقین می را (از کد کوه
 زندیه سروده اخوانیون را از طرف دیگر) برانگیخت

د پانو شمیره: له 14 تر 15

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ



3

میل

جمهوری دقرووی ریاست

یادداشت

و منظور برنده رستن نظام نون و خاستن کفتن
 نهفت های شریک کن رست به تبلیغ رستنه و
 کرطه زدند که خوشنما نه در رست رست محقق
 بدری و زحمات خسته گی نماند بر نیردهای
 در ^{دکترانهای} دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه
 خاستن در تجویس رست و داورگران سر رست
 ادب ک کرد پرانتار انعد ک ما در
 رست شریک رست رست رست رست
 رست رست رست رست رست رست
 رست رست رست رست رست رست
 رست رست رست رست رست رست

د پانو شمیره: له 15 تر 15

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ